



تدوین مدل بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان دارای باورهای وسواسی بر اساس سبک‌های دفاعی، وضعیت هویت ایگو و ارتباط والد - فرزند

رضا شهلا^۱

رویا کوچک انتظار^۲

مهديه صالحی^۳

افسانه قنبری پناه^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

چکیده

در بین مدل‌های نظری موجود از بهزیستی روان‌شناختی، کم‌تر به ریشه‌های تحولی این سازه توجه شده است. این پژوهش با هدف تدوین مدل بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان با باورهای وسواسی بر اساس سبک‌های دفاعی، وضعیت هویت ایگو و ارتباط والد - فرزند انجام شده است. مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی بود که در جامعه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ انجام شد. نمونه آماری شامل ۲۵۰ دانش‌آموز با باورهای وسواسی بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به صورت هدفمند انتخاب شدند. پرسشنامه‌های سبک‌های دفاعی، بهزیستی روان‌شناختی، هویت ایگو، رابطه والد-نوجوان و پرسشنامه عقاید و وسواسی نسخه کودک و نوجوانی را تکمیل کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. بر اساس یافته‌ها رابطه والد و نوجوان به طور غیر مستقیم و منفی از طریق مکانیسم‌های دفاعی بر بهزیستی روانی اثر می‌گذارد ($p \leq 0/05$). بر این اساس، رابطه والد و نوجوان منجر به افزایش استفاده از مکانیسم‌های دفاعی و این افزایش منجر به کاهش بهزیستی روانی می‌شود. همچنین رابطه والد و نوجوان، هویت ایگو را پیش‌بینی می‌کند؛ در نتیجه با افزایش رابطه والد و نوجوان هویت‌یابی بهبود می‌یابد. این پژوهش اهمیت سبک‌های دفاعی، وضعیت هویت ایگو و ارتباط والد-نوجوان در مدل‌پردازی بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان با باورهای وسواسی را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: باورهای وسواسی، بهزیستی روان‌شناختی، رابطه والد-نوجوان، سبک‌های دفاعی، هویت ایگو.

۱. نویسنده مسئول: دکترای روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ shahla.reza@gmail.com

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ royakentezar@yahoo.com

۳. استاد گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ iranpour1000@yahoo.com

۴. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. af_ghanbary@yahoo.com

مقدمه

از منظر روان‌شناسی مثبت‌نگر، بهزیستی روان‌شناختی^۱ صرفاً به نبود مشکلات روان‌شناختی اشاره نمی‌کند، بلکه انسان را در جایگاهی یکپارچه و مستقل از بیماری تصور می‌کند (فن^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). ابعاد متنوعی چون خودمختاری، رشد شخصی، هدفمندی در زندگی، تسلط بر محیط، ارتباط مثبت با دیگران و پذیرش خود، که تماماً ریشه در تحول شخصیت فرد دارند، همگی مشمول سازه بزرگ‌تر بهزیستی روان‌شناختی است (یولا^۳، ۲۰۱۷). با این حال پژوهش‌ها و مدل‌های مرسوم، کم‌تر به ریشه‌های تحولی این سازه توجه کرده‌اند.

در نگاه روان‌تحلیلی، بهزیستی روان‌شناختی زمانی تضمین می‌شود که ایگو با واقعیت سازگار باشد. همچنین برای اینکه تکانه‌های غریزی به کنترل درآید، بایستی بین سه عنصر ایگو و سوپرایگو نوعی تعادل نسبی برقرار شود. چنانچه بین ایگو و سوپرایگو تعارض وجود داشته باشد، پیدایش مشکلات روان‌شناختی بسیار محتمل است (بلاکمن^۴، ۲۰۰۴). تضمین بهزیستی روان‌شناختی، در گام نخست مستلزم مقاومت نظام روانی فرد از آسیب‌ها و اختلالات است. این ایمنی به واسطه مکانیسم‌های دفاعی محقق می‌شود. مکانیسم‌های دفاعی، فرآیندهایی ناخودآگاه هستند که در موقعیت‌های همراه با تهدید یا استرس از ایگو محافظت می‌کنند. این مکانیسم‌ها از طریق اجتناب از موارد و مسائل منتج به اضطراب یا به کمک روش‌های خاص مواجهه با اضطراب، شرایط روانی را سازمان می‌دهند. به‌کارگیری مکانیسم‌های دفاعی از یک سو، به واسطه رویارویی با تعارضات درونی، مقابله را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، می‌تواند تحول روانی را مختل کند و از پاسخ‌های مقابله‌ای مفید جلوگیری به عمل آورد (دایل^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعه مکانیسم‌های دفاعی معیوب و مقابله‌های مؤثر می‌تواند راه را برای فهم بیشتر از بهزیستی روان‌شناختی هموار کند (لوک‌زاده و مظلوم بفرویی، ۲۰۱۳). یکی از مناسب‌ترین نمونه‌های پژوهش برای مطالعه سبک‌های دفاعی، افراد با مشکلات اضطرابی و وسواسی-جبری است (لارسن^۶ و همکاران، ۲۰۱۰). نمود عقاید و باورهای وسواسی در دوران نوجوانی بسیار رایج است. اختلال وسواسی-جبری^۷ با افکاری نظیر بیش برآورد تهدید^۸، گرانباری مسئولیت^۹، کمال‌گرایی^{۱۰} و عقاید فراشناخت درباره تهدید همراه است که مجموعاً به عنوان باورهای وسواسی شناخته می‌شوند. وسواس فکری^{۱۱} عبارت است از هرگونه افکار، احساسات یا اندیشه‌هایی که وضعیتی راجعه و مزاحم داشته باشد (کارگروه شناخت‌های وسواسی-جبری^{۱۲}، ۲۰۰۱).

بر اساس رویکرد روان‌تحلیلی همراه با تغییر و تحولات دوره نوجوانی، یک گام مهم در جهت دستیابی به بهزیستی روان‌شناختی انسجام در هویت ایگو است. هویت ایگو، نوعی از احساس هویت است که شخصیت فرد را

1. psychological well-being

2. Fen

3. Ullah

4. Blackman

5. Diehl

6. Larsen

7. obsessive-compulsive disorder

8. threat of overestimation

9. responsibility Inflated

10. perfectionism

11. obsession

12. obsessive compulsive cognitions working group

تعیین می‌کند. این مفهوم احساس تداوم تجربه و ثبات هویت در طی زمان را ایجاد می‌کند (لوسک^۱، ۲۰۱۱). امروزه بر این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که نوجوانی دوره‌ای مهم برای تحول و تثبیت هویت است (گاردنر^۲، ۲۰۱۵). کوت پیشنهاد می‌کند که دوره نوجوانی، دورانی است که رسیدن به وضعیت هویت ایگو، نه به‌عنوان محصول مستقیم آن دوره، بلکه به‌عنوان برآیند چالش‌ها و مسائل آن شکل می‌گیرد (کوت^۳، ۲۰۰۹). در این دوره‌ی سنی به دلیل چالش‌های موجود، نوجوانان در معرض بسیاری از مشکلات رفتاری و روان‌شناختی قرار می‌گیرند. با این توصیفات، با بررسی وضعیت هویت ایگو و عوامل اثرگذار بر آن می‌توان بر جهت‌گیری مثبت برای کنش‌های آتی نوجوان و ایجاد اثرات مثبت و پایدار، ضمن پیشگیری از بروز مشکلات مذکور تمرکز کرد.

نوجوانان از طریق تعامل و درگیری عاطفی با اطرافیان، مخصوصاً با والدین، به تحول هویت ایگو می‌رسند (گاردنر، ۲۰۱۵). بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که چگونگی رابطه والد-نوجوان رفتارهای نوجوان و سازگاری روان‌شناختی او را پیش‌بینی می‌کند (بی^۴ و همکاران، ۲۰۱۸)؛ به این ترتیب هرچه تعارض میان والد و نوجوان افزایش یابد، انتظار می‌رود که بروز هیجانات منفی و مشکلات روان‌شناختی نیز در او افزایش یابد (سوشما^۵ و همکاران، ۲۰۱۶). به همین صورت بی‌تفاوتی والدین در پرورش و آموزش کودکان، نامهربانی، سرزنش‌گری، خشونت، انضباط و نظارت دوسوگرایانه و فقدان تعامل مناسب با فرزند از عوامل نیرومند بروز رفتار نابهنجار در دوران نوجوانی است (بی و همکاران، ۲۰۱۸). لارسن و همکاران در یک فراتحلیل که با هدف مقایسه تعارضات والد-نوجوان در سنین مختلف انجام شد، پیشنهاد کردند که در اوایل نوجوانی (۱۰ تا ۱۲ سالگی)، نوجوانان تعارض بیشتری را با والدین خود تجربه می‌کنند. این میزان از تعارض در سنین میانی و پایانی نوجوانی به تدریج کاهش می‌یابد (لارسن و همکاران، ۲۰۱۸). نظر به اهمیت نقش رابطه والد-نوجوان و استفاده از مکانیسم‌های دفاعی در بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان، برخی از مطالعات ارتباط مستقیم رابطه والد-نوجوان با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان (ویدئون^۶، ۲۰۰۵؛ حمیدی و انصاری، ۲۰۱۶) و ارتباط غیرمستقیم آن‌ها را از طریق سازه مکانیسم‌های دفاعی بررسی کرده‌اند (پروات^۷، ۲۰۰۳؛ سندرز و مک‌فارلند^۸، ۲۰۰۰؛ آبار، کارتر و وینسلر^۹، ۲۰۰۹؛ رینالدی و هو^{۱۰}، ۲۰۱۲).

شواهد حاکی از آن است که وضعیت هویت ایگو تا پایان جوانی پویایی خود را حفظ کرده و دچار تغییر می‌شود. کروگر^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه فراتحلیل خود با بررسی ۱۲۴ مطالعه انجام شده در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ نشان دادند که به‌طور متوسط ۳۶ درصد نوجوانان در وضعیت هویت خود پیشرفت کرده و به

1. Levesque

2. Gardner

3. Côté

4. Bi

5. Sushma

6. Videon

7. Prevatt

8. Sanders and McFarland

9. Abar, Carter and Winsler

10. Rinaldi and Howe

11. Kroger

مراحل بالاتر هویتی می‌رسند، ۱۵ درصد به مراحل ابتدایی‌تر بازمی‌گردند و ۴۹ درصد ثابت می‌مانند. همچنین بررسی مطالعات مقطعی در این فراتحلیل نشان داد که به صورت میانگین وضعیت هویت به تعویق افتاده تا سن ۱۹ سالگی افزایش و پس از آن کاهش می‌یابد. در حالی که هویت پیشرفته در سال‌های پایانی نوجوانی و دوران جوانی رشد بیشتری نشان می‌دهد. وضعیت‌های زود شکل‌گرفته و آشفته اگرچه در دوران دبیرستان کاهش می‌یابند، اما در سال‌های پایانی نوجوانی و دوران جوانی دوباره روند افزایشی نشان می‌دهند.

با توجه به شدت تعارض موجود، بررسی رابطه والد-نوجوان در این دوره بیش از سایر دوره‌ها می‌تواند در تبیین سازگاری و بهزیستی آتی نوجوان مفید فایده باشد. با وجود اهمیت این موضوع کم‌تر به بررسی تعامل عوامل مختلف و تأثیرگذار در جریان هویت‌یابی در سنین مذکور، به خصوص تعاملات منتج به بهزیستی روان‌شناختی توجه شده است. جدای از چالش‌های عمومی دوره نوجوانی، این دوره به علل مختلف زیستی؛ چون تنظیمات هورمونی و تغییرات هیجانی-عاطفی (مانند شکل‌گیری روابط جدید و گسترش و تغییر روابط) به عنوان دوره آغاز مشکلات حاد و ناتوان‌کننده روان‌شناختی تلقی می‌شود (تروتمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). محتوای بیشتر عقاید وسواسی در دوره نوجوانی در مسائل مذهبی، فعالیت‌های روزمره و آشفتگی در روابط خلاصه می‌شود. باورهای وسواسی در دوره نوجوانی تظاهرات ملموسی دارند و نوجوانی به دلیل اینکه ماهیتاً با افزایش ارتباطات و انتظارات اجتماعی همچون گسترش دایره دوستی‌ها، انتظار استقلال بیشتر، انتظار برنامه‌ریزی برای شغل آینده، توأمان است، به طبع دوره‌ای است که می‌تواند آسیب‌های جدی را برای تحول ایگو، رابطه والد-فرزند و در نهایت بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها در پی داشته باشد.

در بین مدل‌های نظری موجود از بهزیستی روان‌شناختی، کم‌تر به ریشه‌های تحولی این سازه توجه شده است. با اتخاذ رویکرد روان‌تحلیلی می‌توان به بررسی ریشه‌های تحولی بهزیستی روان‌شناختی پرداخت. بنابراین، ضرورت انجام مطالعاتی که با مدنظر قرار دادن متغیرهای حساس دوره نوجوانی، بتوانند به کنش‌وری بهنجار نوجوانان بیانجامد کاملاً مشهود است و خلأ آن حس می‌شود. پژوهش حاضر با مدنظر قرار دادن این موضوع در پی آن است که با تدوین مدل بهزیستی روان‌شناختی بر اساس سبک‌های دفاعی، وضعیت هویت ایگو و ارتباط والد-فرزند در گروه نوجوانان دارای عقاید وسواسی گامی در جهت بهبود خلأ موجود بردارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف در دسته تحقیقات نظری و از منظر روش‌شناسی از نوع همبستگی با استفاده از روش‌های مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه پژوهش شامل همه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. برآورد حجم نمونه با روش اصلاح شده کوکران و از رابطه زیر محاسبه شد که با در نظر گرفتن مقادیر دقت ۰/۰۶۲ و لحاظ کردن سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۲۴۹ برآورد شد. بر همین اساس به منظور شناسایی و انتخاب دانش‌آموزان با باورهای وسواسی، ۲۵۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به صورت هدفمند انتخاب شدند؛ به این صورت که ابتدا از بین کلیه مناطق شهر تهران، ۳ منطقه

^۱. Trotman

۳، ۵ و ۱۶ به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر کدام از این مناطق، ۳ ناحیه و از هر ناحیه، ۵ دبیرستان پسرانه انتخاب شد. پژوهشگران با مراجعه به دبیرستان‌های انتخابی و هماهنگی با مدیران و مشاوران مدرسه، با استفاده از نسخهٔ کودکی و نوجوانی پرسشنامهٔ عقاید و سواسی (کولس^۱ و همکاران، ۲۰۱۰) به شناسایی دانش‌آموزان با باورهای و سواسی اقدام کردند. این اقدام تا رسیدن به حجم نمونه مورد نظر (۲۵۰ نفر) ادامه داشت. شایان ذکر است که ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه، قرار داشتن در بازهٔ سنی ۱۶-۱۸ سال و کسب حداقل نمرهٔ ۴۰ در پرسشنامهٔ عقاید و سواسی بود. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش شامل عدم تمایل شرکت‌کنندگان به ادامهٔ همکاری داوطلبانه و نقص در داده‌های اخذ شده بود. پس از انتخاب افراد نمونه، داده‌های پژوهش به وسیلهٔ ابزارهای زیر گردآوری شد:

- **مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (RSPWB)**^۲: این مقیاس ۱۸ گویه‌ای را ریف و کیس ساخته‌اند. این ابزار بر اساس طیف لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً نادرست (=۱) تا کاملاً درست (=۶) تنظیم شده است و شش محور بهزیستی روان‌شناختی شامل استقلال (A)، تسلط بر محیط (E)، رشد شخصی (G)، ارتباط مثبت با دیگران (R)، هدفمندی در زندگی (P) و پذیرش خود (S) را در بر می‌گیرد. حداقل و حداکثر نمرهٔ اکتسابی در این مقیاس به ترتیب برابر با ۱۸ و ۱۰۸ بوده و نمرهٔ بالاتر نشان‌دهندهٔ بهزیستی بالاتر است. در مطالعهٔ اصلی ساخت ابزار، پایایی آزمون با روش همسانی درونی ۰/۹۳ ارزیابی شد (ریف و کیس^۳، ۱۹۹۵). همچنین وندایرنودک^۴ (۲۰۰۴) در پژوهش خود میزان پایایی با روش همسانی درونی را در خرده مقیاس‌ها در سطح مناسب ارزیابی کرد. آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها در پژوهش وی بین ۰/۷۷ تا ۰/۹ برآورد شد (۲۰۰۴). کلارک^۵ و همکاران (۲۰۰۱) نیز در تأیید روایی سازه این ابزار اظهار داشتند که مدل شش عاملی بیش‌ترین برازش را برای این ابزار دارد. در سطح کشور خانجانی و همکاران (۲۰۱۴) همسانی درونی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه کردند. بر این اساس در شش عامل پذیرش خود، تسلط محیطی، رابطهٔ مثبت با دیگران، داشتن هدف در زندگی، رشد شخصی و استقلال به ترتیب برابر با ۰/۵۱، ۰/۷۶، ۰/۷۵، ۰/۵۲، ۰/۷۳، ۰/۷۲ و برای کل مقیاس ۰/۷۱ برآورد شد که از پایایی قابل قبول این ابزار خبر می‌داد. در پژوهش بیانی و همکاران (۲۰۰۸) نیز پایایی نسخهٔ فارسی پرسشنامه با روش آلفا ۰/۸۷ و به شکلی مناسب ارزیابی شد، همچنین ایشان ضریب همبستگی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی با مقیاس رضایت از زندگی، پرسشنامهٔ شادکامی و پرسشنامهٔ عزت‌نفس روزنبرگ را به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۵۸ و ۰/۴۶ ذکر کردند که این امر نشان‌دهندهٔ روایی قابل قبول ابزار خبر می‌داد. ابزارها است.

^۱. Coles

^۲. Ryff Scale of Psychological Well-Being (RSPWB)

^۳. Ryff and Keyes

^۴. van Dierendonck

^۵. Clarke

- پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ-40)^۱: در سال ۱۹۹۳، اندروز و دیگران پرسشنامه استاندارد سبک‌های دفاعی را ساخته‌اند که شامل سه مؤلفه دفاع‌های رشدنیافته، رشدیافته و روان آزرده است. در این مقیاس نمره‌گذاری به صورت لیکرت است که فرد میزان موافقت خود را در یک مقیاس ۹ درجه‌ای اعلام می‌کند. پایایی و روایی این ابزار در پژوهش‌های داخلی و خارجی تأیید شده است. اندروز^۲ و همکاران (۱۹۹۳) در پژوهش خود میزان پایایی بازآزمایی ۴ هفته‌ای خود را مناسب و بین ۰/۳۸ تا ۰/۸ گزارش کرد، همچنین وی بازآزمایی ۱۸ ماهه ابزار خود را درباره مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته ۰/۷۱ و برای مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته ۰/۶ گزارش کرد. ایشان همچنین اظهار داشتند که همبستگی بالای (۰/۹) این فرم با فرم اصلی ۸۲ سؤالی آزمون گواه روایی همگرای ابزار وی است. در سطح کشور نیز این ابزار را حیدری نسب و شاعری (۲۰۱۱) بررسی و هنجاریابی کرده‌اند. یافته‌های مربوط به پایایی پرسشنامه مشخص کرد که نسخه ایرانی همانند نسخه اصلی از پایایی مطلوبی برخوردار است. پایایی این پرسشنامه از طریق روش بازآزمایی و محاسبه آلفای کرونباخ ارزیابی شده است که برین اساس ضریب آلفا در گروه‌های مورد مطالعه به تفکیک در دانش‌آموزان و دانشجویان و جنس گروه نمونه‌گیری و نیز مکانیسم‌های دفاعی بررسی شد. بالاترین آلفای کل در مردان دانشجو ۰/۸۱ و پایین‌ترین آلفای کل در زنان دانشجو ۰/۶۹ مشاهده شد. در مکانیسم‌های دفاعی، بالاترین آلفا مربوط به سبک رشدنیافته ۰/۷۲ و کم‌ترین مربوط به سبک روان آزرده‌وار مربوط می‌شد. بشارت و همکاران (۲۰۰۱) نیز ضریب آلفای کرونباخ را برای هر یک از سبک‌های رشد یافته، روان آزرده و رشد نیافته به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ و ضریب پایایی بازآزمایی را با فاصله ۴ هفته ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند.

- پرسشنامه هویت نوجوان^۳: این پرسشنامه، دارای ۹۱ گویه است که بر اساس مدل نظری مارسیا از هویت ایگو (۲۴) در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای و در پنج زیرمقیاس شامل هویت کلیشه‌ای، هویت منع شده، هویت موفق، هویت دیررس و هویت آشفته تدوین شده است (کراسکیان موجمباری^۴، ۲۰۱۰). برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار نمونه‌ای به حجم ۶۰۰ نفر از میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران، اردبیل و سنندج به‌طور تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد که پس از اجرای پرسشنامه و حذف پاسخننامه‌های ناقص، اطلاعات ۵۵۰ نفر (۲۶۵ نفر دختر و ۲۸۵ نفر پسر) تجزیه و تحلیل شد و هنجارهای لازم به‌دست آمد. روایی سازه آزمون با استفاده از مدل تحلیل عاملی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس بررسی شد که در نتیجه ۵ عامل از پرسشنامه استخراج شد. ضریب پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن از ۰/۷۳ تا ۰/۸۳ متغیر بود. بنا بر گفته مؤلف، هنجارهای آزمون نیز پس از مقایسه نمره‌های دانش‌آموزان دختر و پسر و همچنین دانش‌آموزان مسلمان، مسیحی و زرتشتی برای هر کدام از مقیاس‌های پنج‌گانه برحسب رتبه درصدی و نمره‌های تراز شده Z و T محاسبه و تدوین شد. همچنین پس از محاسبه ضریب همبستگی بین نمره‌های هویت و پنج عامل اصلی شخصیت، الگوی شکل‌گیری هویت بر اساس پنج عامل اصلی شخصیت و همچنین معادله‌های

^۱ Defense Styles Questionnaire (DMQ)

^۲ Andrews

^۳ Adolescents Identity Questionnaire

^۴ Keraskian Mojembari

ساختاری نمره هویت بر اساس متغیرهای پیش‌بین تدوین شد و شاهدهی دیگر بر روی ابزار پدید آمد (کراسکیان موجمباری، ۲۰۱۰).

- **پرسشنامه رابطه والد - فرزند (PCRS)**^۱: این پرسشنامه را، برای اولین بار فاین و دیگران در سال ۱۹۸۳ برای سنجیدن کیفیت روابط والد-نوجوان تهیه کرده‌اند. مقیاس رابطه والد-نوجوان یک ابزار ۲۴ ماده‌ای، برای سنجیدن نظر نوجوانان درباره رابطه آن‌ها با والدینشان، است. پاسخ‌ها در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (خفیف) تا ۷ (شدید) تنظیم شده است. ماده‌های ۹، ۱۳ و ۱۴ این مقیاس به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در این مقیاس نمره بالاتر نشان‌دهنده رابطه خوب و مطلوب با پدر و مادر است و نمره پایین نشان‌دهنده ارتباط کم با والدین و تعارض با والدین است. این مقیاس دو فرم دارد، یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر. نمونه‌ای از ماده‌های این مقیاس عبارت است از: «وقتی را که با پدرتان صرف می‌کنید چقدر است». ضریب پایایی این خرده مقیاس را فاین^۲ و همکاران (۲۰۰۷) با استفاده از روش آلفای کرونباخ به دست آوردند. ضرایب پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس مربوط به پدر ۰/۹۶ به دست آمد. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس مربوط به مادر ۰/۹۶ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی خوبی است. در پژوهش اصلی ساخت ابزار، برای تعیین روایی این مقیاس از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. نتایج تحلیل عامل تأییدی ارتباط و همسانی خوبی بین ماده‌ها را نشان داد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۶۸ بود که حکایت از پایایی همسانی درونی مناسب ابزار داشت. در ایران نیز پرهیزگار و همکاران (۲۰۰۹) طی پژوهش خود همسانی درونی آزمون مذکور را با روش آلفا برای فرم مادر ۰/۹۲ و برای فرم پدر ۰/۹۳ برآورد کرد که این امر خبر از پایایی قابل قبول ابزار در فرم‌های فارسی می‌دهد همچنین نتایج تحلیل عاملی تأییدی حکایت از تناسب سؤالات با مدل نظری پیشنهادی سازندگان داشت.

- **پرسشنامه عقاید وسواسی نسخه کودکی و نوجوانی**: این پرسشنامه در سال ۲۰۱۰ میلادی برای افراد ۸ تا ۱۸ سال تهیه شده است که در واقع نسخه ساده‌سازی شده OBQ است. نسخه این پرسشنامه شامل ۴۴ آیتیم است که در یک طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای چهار زیر مقیاس بیش برآورد خطر، کمال‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و بیش اهمیت‌دهی به افکار است که در مقاله اصلی ساخت ابزار پایایی نمره کل آن معادل ۰/۹۶ گزارش شد و پایایی خرده مقیاس‌های چهارگانه مابین ۰/۹ تا ۰/۹۴ گزارش شده است. روایی همگرایی ابزار نیز با محاسبه همبستگی بین نمرات پرسشنامه حاضر و نمرات پرسشنامه RCADS-OCD و پرسشنامه CY-BOCS محاسبه و به ترتیب در سطح معنادار ۰/۵۶ و ۰/۳۱ به دست کولس و همکاران (۲۰۱۰). در ایران این پرسشنامه به وسیله حلویی‌پور و همکاران (۲۰۱۴) هنجاریابی شد. پایایی این مقیاس از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های بیش برآورد خطر، کمال‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و بیش‌اهمیت‌دهی به افکار به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۱، ۰/۷۴ و ۰/۷۲ محاسبه شد. همچنین روایی ابزار از طریق تحلیل

1. The Parent-Child Rating Scale

2. Fine

عاملی در قالب یک ساختار چهار عاملی تأیید شد. در نسخه فارسی ابزار، ماده‌های ۱، ۱۳، ۳۲، ۴۱، ۴۳ و ۴۴ به دلیل بار عاملی پایین از پرسشنامه حذف شدند.

در رویه انجام پژوهش پس از اخذ مجوزهای لازم، هماهنگی‌های لازم برای گردآوری داده‌ها با دست‌اندرکاران مدارس انجام شد. پس از معرفی طرح پژوهش و توضیح اصول رازداری برای دانش‌آموزان، دفترچه سؤالات پژوهش به آن‌ها تحویل داده شد و پس از اطمینان از تکمیل، جمع‌آوری شد. در حین تکمیل پرسشنامه‌ها جهت تشکر و رفع خستگی، از شرکت‌کنندگان، پذیرایی به عمل آمد و در انتها به هر یک از شرکت‌کنندگان هدیه‌ای اهدا شد. همچنین به منظور ترغیب شرکت‌کنندگان برای تکمیل پرسشنامه‌ها، امکان مطلع شدن از نتیجه پرسشنامه (در صورت تمایل) در یک جلسه مشاوره فردی یا خانوادگی توسط پژوهشگر، در اختیارشان قرار گرفت. شایان ذکر است که دانش‌آموزان با اتخاذ کد عددی، جهت اطمینان خاطر آن‌ها در امنیت اطلاعات روان‌شناختی‌شان، طرح پژوهش را ادامه دادند. در انتها و پس از آماده‌سازی و غربال داده‌ها به منظور تحلیل اطلاعات توصیفی از نسخه ۲۴ نرم‌افزار تجزیه و تحلیل آماری SPSS و به منظور اجرای روش مدل معادلات ساختاری از نسخه ۲۴ نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد که بازه سنی آن‌ها بین ۱۶ تا ۱۸ سال بود که از این بین ۷۸ نفر ۳۱/۲ درصد در پایه دهم، ۸۴ نفر ۳۶/۶ درصد در پایه یازدهم و ۸۸ نفر ۳۵/۲ درصد در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. در نمره پرسشنامه عقاید وسواسی نیز میانگین گروه نمونه کمی بالاتر از میانگین نظری بود. در ادامه اطلاعات توصیفی مربوط به مؤلفه‌های پژوهش در جدول ۱ ارائه شد.

برای آزمون مدل پژوهش، از تحلیل مدل معادلات ساختاری استفاده شد. قبل از انجام تحلیل، داده‌ها از نظر رعایت مفروضات مدل معادلات ساختاری از جمله: نرمال بودن توزیع متغیرها، خطی بودن رابطه بین متغیرها، عدم وجود هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین، عدم همبستگی بین خطاهای متغیر درون‌زاد و متغیرهای پیش‌بینی کننده بررسی شدند.

نتایج دو آزمون کلموگروف-اسمیرنف، شاپیرو-ویلک حاکی از آن بود که شرط نرمال بودن توزیع در خصوص کلیه متغیرهای پژوهش به غیر از متغیرهای والایش، شوخ طبعی، پیشاپیش‌نگری و ابطال صادق است. داده‌های مربوط به متغیرهایی که از توزیع نرمال پیروی نمی‌کردند با استفاده از فرمول Rankit (بیشرا و هیتنر^۱، ۲۰۱۲) تبدیل شدند. پس از تبدیل، بررسی‌های بعدی از نرمال بودن تمامی داده‌ها حکایت داشت ($p > 0.05$). در خصوص وجود رابطه خطی میان متغیرهای پژوهش، نمودار نقطه‌ای^۲ داده‌ها ترسیم و بررسی شد. در نتیجه آن مفروضه وجود رابطه خطی میان متغیرها تأیید شد. هم‌خطی چندگانه با توجه به شاخص تحمل بررسی شد و در نتیجه آن مشخص شد که بین متغیرهای پیش‌بین هم‌خطی وجود ندارد. ضمناً همبستگی بین خطاهای مربوط به متغیر

1. Bishera and Hittner

2. scatter plot

درون زاد و برون زاد نیز نشان از عدم همبستگی خطاها داشت. به این ترتیب می‌توان ادعان داشت که مفروضات ضروری برای استفاده از مدل‌های معادلات ساختاری رعایت شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های پژوهش

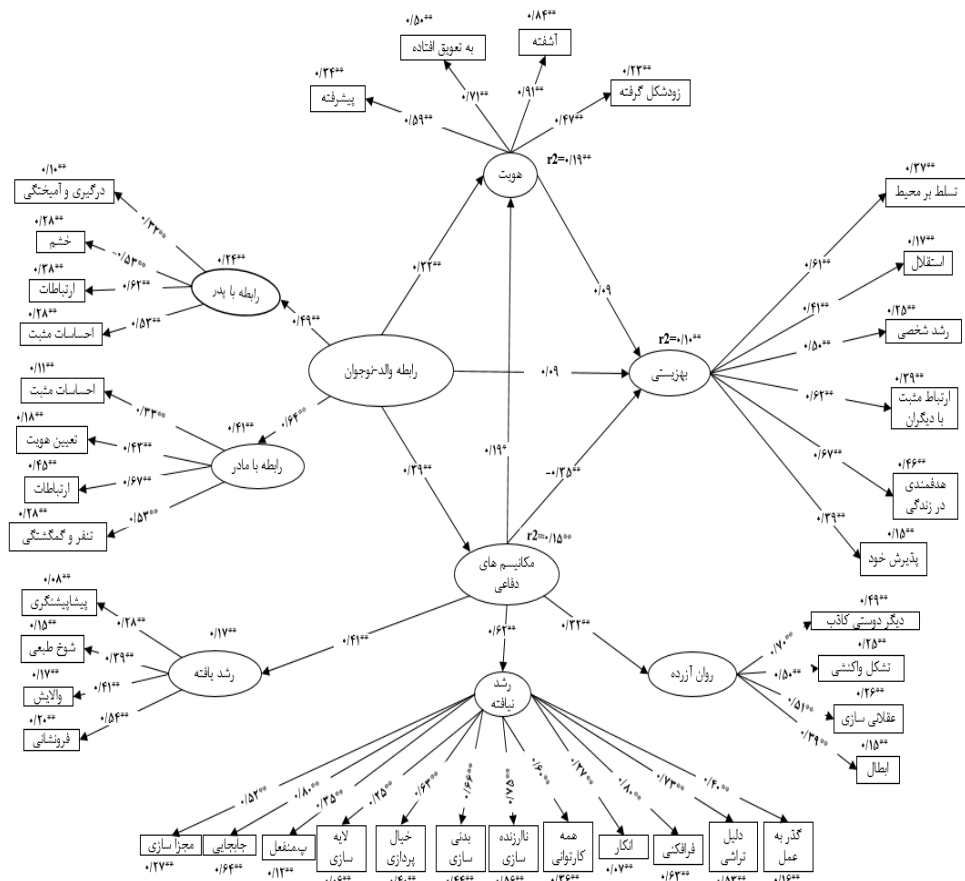
انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه‌ها	متغیر	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه‌ها	متغیر
1/89	7/15	دلیل تراشی	سبک‌های دفاعی	2/08	11/51	تسلط بر محیط	بهزیستی روان‌شناختی
1/93	7/05	فرافکنی		2/16	10/28	استقلال	
2/25	7/11	انکار		1/99	10/99	رشد شخصی	
1/94	7/12	همه کار توانی		1/91	11/32	ارتباط مثبت با دیگران	
2/16	6/98	نارزنده‌سازی		2/20	9/33	هدف‌مندی در زندگی	
2/41	۰/81۴	بدنی‌سازی		2/34	10/01	پذیرش خود	
1/90	7/26	خیال‌پردازی اوتستیک		7/15	68/14	زود شکل گرفته	
2/04	۰/96۴	لایه‌سازی		6/30	66/77	آشفته	هویت ایگو
1/76	4/84	پرخاشگری منفعلا نه		6/87	66/24	به تعویق افتاده	
2/13	۰/42۶	جابه‌جایی		6/52	65/99	پیشرفته	
1/98	3/73	مجزاسازی		6/63	26/13	احساسات مثبت	رابطه مادر- فرزند
2/29	6/17	فرونشانی		2/72	9/59	تنفر و گم‌گشتگی	
2/62	6/36	والایش		4/63	18/04	تعیین هویت	
2/37	6/50	شوخ طبعی		5/70	26/49	ارتباطات	
2/52	6/28	پیشاپیش‌نگری		4/33	19/68	احساسات مثبت	رابطه پدر-فرزند
2/54	۰/20۷	دیگردوستی کاذب		6/90	20/69	درگیری و آمیختگی	
2/14	6/17	تشکل واکنشی		3/93	16/00	ارتباطات	
2/23	۰/38۴	عقلانی‌سازی		1/96	4/81	خشم	
2/45	۰/12۵	ابطال					
2/09	۰/58۴	گذر به عمل					

جدول ۲: اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها

مسیرها	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	کل
رابطه والد و نوجوان			
هویت	۰/۳۲**	۰/۰۷*	۰/۳۷**
مکانیسم‌های دفاعی	۰/۳۹**	-	۰/۳۹**
بهزیستی	۰/۰۹	-۰/۱۰*	-۰/۰۰۶
هویت			
بهزیستی	۰/۰۹	-	۰/۰۹
مکانیسم‌های دفاعی			
بهزیستی	-۰/۳۴**	-	-۰/۳۴**
هویت	۰/۱۹*	-	۰/۱۹*
***P < ۰/۰۱, *P < ۰/۰۵			

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که رابطه والد و نوجوان به طور غیرمستقیم و منفی از طریق مکانیسم‌های دفاعی بر بهزیستی روانی اثر می‌گذارد. این نتیجه بدین معناست که رابطه والد و نوجوان باعث افزایش مکانیسم‌های دفاعی می‌شود و افزایش استفاده از مکانیسم‌های دفاعی باعث کاهش بهزیستی روانی می‌شود. همچنین رابطه والد و نوجوان هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم هویت را پیش‌بینی می‌کند. به این ترتیب با افزایش رابطه والد و نوجوان، هویت‌یابی بهبود می‌یابد. در مسیر غیرمستقیم هویت، مکانیسم‌های دفاعی نقش واسطه‌ای دارند. یعنی با افزایش رابطه والد و نوجوان، مکانیسم‌های دفاعی افزایش می‌یابد و پس از آن مکانیسم‌های دفاعی به طور مثبت بر هویت اثر می‌گذارند.

شاخص‌های برازش مربوط به مدل اصلاح شده است. اصلاح مدل با حذف پارامترهای غیر معنادار انجام شد. شاخص‌های برازش به دست آمده از اجرای تحلیل معادلات ساختاری با روش بیشینه احتمال، نشان‌دهنده برازش مناسب الگو با داده‌هاست (GFI=۰/۹۹، CFI=۰/۹۸، AGFI=۰/۹۶، JFI=۰/۹۹، RMSEA=۰/۰۴). جهت درک بهتر مدل پیشنهادی، روابط بین متغیرها و ضرایب مدل برازش شده در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: مدل برازش یافته برای گروه وسواس

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان دارای عقاید وسواسی بر اساس سبک‌های دفاعی، وضعیت هویت ایگو و ارتباط والد- فرزند انجام شد. بر اساس یافته‌ها رابطه والد و نوجوان به طور غیر مستقیم و منفی از طریق مکانیسم‌های دفاعی بر بهزیستی روانی اثر می‌گذارد. این نتیجه بدین معناست رابطه والد و نوجوان باعث افزایش مکانیسم‌های دفاعی می‌شود و افزایش استفاده از مکانیسم‌های دفاعی باعث کاهش بهزیستی روانی می‌شود. همچنین رابطه والد و نوجوان هم به طور مستقیم و غیر مستقیم هویت را پیش بینی می‌کند. به طور مستقیم جهت رابطه مثبت است یعنی با افزایش رابطه والد و نوجوان هویت‌یابی افزایش می‌یابد. در مسیر غیر مستقیم هویت، مکانیسم‌های دفاعی نقش واسطه‌ای دارند. یعنی با افزایش رابطه والد و نوجوان، مکانیسم‌های دفاعی افزایش می‌یابد سپس مکانیسم‌های دفاعی به طور مثبت بر هویت اثر می‌گذارند.

نتایج پژوهش حاضر در خصوص ارتباط مستقیم رابطه والد-نوجوان با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان با پژوهش‌های ویدئون (۲۰۰۵) و حمیدی و انصاری (۲۰۱۶) همسو بوده است. درباره ارتباط غیرمستقیم رابطه والد-نوجوان و بهزیستی روان‌شناختی با میانجی‌گری مکانیسم‌های دفاعی، با نتایج پژوهش‌های متعددی همسو بوده است که رابطه میان عملکرد والدین با علائم اختلالات روان‌شناختی و رفتارهای ناکارآمد فرزندان را نشان داده‌اند (پروات، ۲۰۰۳؛ سندرز و مک‌فارلند، ۲۰۰۰؛ آبار، کارتر و وینسلر، ۲۰۰۹؛ رینالدی و هو، ۲۰۱۲).

رفتار والدین یک عامل بسیار مهم است که سلامت روان و شکل‌گیری شخصیت در کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به صورت معناداری می‌تواند مشکلات کودکان در زمینه وسواس، اضطراب و هیجانات افسرده را پیش‌بینی کند (آلونسو^۱، ۲۰۰۴). به طور کلی رفتار والدین شامل شش فاکتور است: ارتباط هیجانی، مداخله و کنترل، حمایت آزادانه، کنترل بیش از اندازه، انکار و نارضایتی، غفلت و بی‌تفاوتی. در مطالعات انجام شده در خصوص بیماران با اختلال وسواس نشان داده شده است که نشانگان آن‌ها با سطح اضطراب بالا و رابطه والد-نوجوان بسیار ضعیف و عدم احساس کنترل بر جهان بیرون از خود ارتباط دارد (چن^۲، ۲۰۱۸). نشان دادن بیش از اندازه طرد و انکار، کنترل بیش از اندازه و محافظت به صورت معناداری ایجاد نشانگان وسواسی در کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آیسسیگی^۳، ۲۰۰۲). همچنین عدم ارتباط هیجانی نزدیک، درک یکدیگر، اعتماد و تشویق در مقایسه با عموم والدین می‌تواند موجب ایجاد نشانگان وسواس در کودکان شود (سوشما، ۲۰۱۶).

مکانیسم‌های دفاعی توسط ایگو کنترل شده و ساختار و سازمان شخصیت افراد را شکل می‌دهند. پژوهش‌های انجام شده در خصوص همبستگی میان مکانیسم‌های دفاعی و اختلالات روانی نشان داده است که برخی از مکانیسم دفاعی ارتباط مثبت و معناداری با اختلال وسواس دارند؛ به این ترتیب که تکانه‌های غیرقابل پذیرش سوپرایگو به نقطه مقابل مورد پذیرش برای والدین و جامعه تبدیل می‌شود (دایل و همکاران، ۲۰۱۴). با توجه به این مسئله که مکانیسم‌های دفاعی در پاسخ به رویدادهای استرس‌زا در افراد فعال شده و استفاده می‌شود، به نظر می‌رسد که نوجوانان با باورهای وسواسی در رابطه با والدین خود بیشتر چنین رویدادهایی را تجربه کرده و انتظارات والدین و انتقادهای آنان موجب شکل‌گیری نگرانی‌های شدید در این نوجوان نسبت به نحوه انجام تکالیف و وظایف واگذار شده به آن‌ها و استفاده بیش از اندازه از مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده و رشدنیافته در مقابله با استرس ناشی از انتظارات والدین و در نتیجه کاهش بهزیستی روانی در آن‌ها می‌شود.

هم‌راستا با شواهدی که از پویایی و تغییر وضعیت هویت تا پایان جوانی حکایت دارد کروگر و همکاران (۲۰۱۰)، قدرت تبیین بالاتر هویت آشفته و هویت به تعویق افتاده در تبیین مدل پژوهش حاضر، می‌تواند ناشی از اثرات مذکور مرتبط با سن و بالطبع گواهی بر صحت نتایج پژوهش حاضر باشد. به همین صورت می‌توان اظهار داشت که چالش‌ها، تجربیات جدیدی در زندگی افراد هستند که نیازمند پاسخ از سوی آن‌ها است، سطح بالای این چالش‌ها ممکن است به واپس‌روی در وضعیت هویتی منجر شود و به سطح تاب‌آوری، تمایل به تجربیات تازه،

¹. Alonso

². Chen

³. Aycicegi

قدرت خود و میزان همانندسازی نوجوانان با شخصیت‌های والدین بستگی دارد. به نظر می‌رسد از آنجا که حفظ سطح بهینه‌چنین چالش‌هایی در زندگی دشوار است، افراد زیادی به وضعیت هویت پیشرفته دست پیدا نمی‌کنند. با توجه به محدودیت‌های پژوهش از قبیل استفاده از ابزارهای خودسنجی که می‌تواند با سوگیری همراه باشد و استفاده صرف از شرکت‌کنندگان مرد، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده ضمن استفاده از تکنیک‌های مختلف (مصاحبه، آزمون‌های عملکردی و آزمون‌های خودسنجی) و بهره‌مندی از منابع مختلف (نوجوان، والدین، معلم) از شرکت‌کنندگان زن نیز استفاده شود تا امکان بررسی‌های مقایسه‌ای فراهم شود. همچنین در نظر گرفتن رده‌های سنی مختلف و مقایسه کردن سایر اختلال‌ها در قیاس با هم و در قیاس با جمعیت بهنجار می‌تواند به هر چه بیشتر روشن شدن ابعاد مؤلفه بهزیستی روان‌شناختی کمک کند. با توجه به اهمیت روابط والد-فرزندی و با عنایت به نتایج مذکور، این روابط را در حوزه‌های خاص‌تری چون دل‌بستگی و فرزندپروری، به‌خصوص در تقابل با ارتباط مادر-نوجوان مدنظر قرار دهند. این پژوهش به مانند برخی از پژوهش‌های دیگر، با ادعان به اهمیت کیفیت روابط والد-فرزندی برای تمامی افراد به‌خصوص برای قشر نوجوان، به والدین و دست‌اندرکاران حوزه آموزش و سلامت پیشنهاد می‌کند که برای تأمین سلامت روان و افزایش بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان توجه ویژه‌ای داشته باشند.

با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش، فرضیه دخیل بودن روابط والد-فرزندی، وضعیت هویت ایگو و سبک‌های دفاعی در بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان با عقاید و سواسی تأیید شد. بر همین اساس از آنجایی که خانواده، اولین عرصه‌ای است که اغلب افراد در آن رشد کرده و کسب تجربه می‌کنند. بنابراین، کیفیت روابط اعضاء خانواده و جو عاطفی حاکم، بر میزان مشارکت و تلاش والدین برای آموزش فرهنگ و تسهیل رشد هویت و مکانیسم‌های دفاعی مناسب در فرزندان، اثرگذار است. برای نیل به بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان لازم است که والدین از اهمیت کیفیت روابط والد-فرزندی و نقش آن به‌عنوان عاملی مهم در جهت ارتقاء بهزیستی روان‌شناختی فرزندان‌شان آگاهی یابند.

تشکر و قدردانی

از کلیه افرادی که به نحوی در پیش‌برد این پژوهش نقش داشتند و کلیه شرکت‌کنندگان حاضر در پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

فهرست منابع

- بشارت، محمدعلی، شریفی، ماندانا و ایروانی، محمود (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی. *مجله روان‌شناسی*، ۵ (۳): ۲۸۹ - ۲۷۷.
- بیانی، علی‌اصغر، محمدکوچکی، عاشور و بیانی، علی (۱۳۷۸). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۱۴ (۲): ۱۴۶-۱۵۱.
- پرهیزگار، آذر دخت، محمودنیا، علیرضا و محمدی، شهناز (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت رابطه والد-فرزند در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۲ (۱۰): ۹۳ - ۸۲.
- حلوایی‌پور، ذهره و نصرت‌آبادی، مهدی (۱۳۹۳). اعتبارسنجی نسخه ایرانی پرسشنامه عقاید مسئولیت‌پذیری در نوجوانان ایرانی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. ۱۳: ۴۸۰ - ۴۷۱.
- حمیدی، فریده و انصاری، شهلا (۱۳۹۵). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سخت‌رویی و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۳ (۳): ۶۶-۴۷.
- حیدری نسب، لیلا و شعیری، محمدرضا (۱۳۹۰). ساخت عاملی پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ-40) در نمونه‌های غیربالینی ایرانی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۶ (۲۱): ۹۷-۷۷.
- خانجانی، مهدی، شهیدی، شهریار، فتح‌آبادی، جلیل، مظاهری، محمدعلی و شکری، امید (۱۳۹۳). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه (۱۸ سؤال) مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان دختر و پسر. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۹ (۳۲): ۲۷-۳۶.
- کراسکیان مومجمباری، آدیس (۱۳۸۸). تدوین و هنجاریابی پرسشنامه سنجش هویت نوجوانان (بازنگری در وضعیت‌های هویتی جیمز مارسلیا) و الگویابی شکل‌گیری هویت نوجوانان. رساله دکتری در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- Abar, B., Carter, K. L. and Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32(2), 259-273. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2008.03.008>
- Alonso, P., M. Menchón, J., Mataix-Cols, D., Pifarré, J., Urretavizcaya, M., Crespo, J. M., Jiménez, S., Vallejo, G. and Vallejo, J. (2004). Perceived parental rearing style in obsessive-compulsive disorder: Relation to symptom dimensions. *Psychiatry Research*, 127(3), 267-278. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2001.12.002>
- Andrews, G., Singh, M. and Bond, M. (1993). The defense style questionnaire. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 181(4), 246-256. <https://doi.org/10.1097/00005053-199304000-00006>
- Aycicegi, A., Harris, C. L. and Dinn, W. M. (2002). Parenting Style and Obsessive-Compulsive Symptoms and Personality Traits in a Student Sample. *Clinical Psychology and Psychotherapy Clin. Psychol. Psychother*, 9(6), 406-417. <https://doi.org/10.1002/cpp.338>
- Bayani, A. A., Mohammad Koochekya, A. and Bayani, A. (2008). Reliability and validity of Ryff's psychological well-being scales. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(2), 146-151. (In Persian)

- Besharat, M., Irawani, M. and Sharifi, M. (2001). An Investigation of the Relationship Between Attachment Styles and Defense Mechanisms. *Journal of Psychology*, 5(3), 277–289. (In Persian)
- Bi, X., Yang, Y., Li, H., Wang, M., Zhang, W. and Deater-Deckard, K. (2018). Parenting styles and parent-adolescent relationships: The mediating roles of behavioral autonomy and parental authority. *Frontiers in Psychology*, 9(NOV). <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.02187>
- Bishara, A. J. and Hittner, J. B. (2012). Testing the significance of a correlation with nonnormal data: Comparison of Pearson, Spearman, transformation, and resampling approaches. *Psychological Methods*, 17(3), 399–417. <https://doi.org/10.1037/a0028087>
- Blackman, J. S. (2004). 101 Defenses: How the mind shields itself. In 101 Defenses: How the Mind Shields itself. <https://doi.org/10.4324/9780203492369>
- Chen, I.-J., Hu, M., Zhang, H. and Guo, Z. (2018). The Effect of Parenting Behavior on the Obsessive-Compulsive Symptom of College Students: The Mediating Role of Perfectionism. *Creative Education*, 09(05), 758–778. <https://doi.org/10.4236/ce.2018.95057>
- Clarke, P. J., Marshall, V. W., Ryff, C. D. and Wheaton, B. (2001). Measuring psychological well-being in the Canadian Study of Health and Aging. *International Psychogeriatrics*, 13(SUPPL. 1), 79–90. <https://doi.org/10.1017/S1041610202008013>
- Coles, M. E., Wolters, L. H., Sochting, I., De Haan, E., Pietrefesa, A. S. and Whiteside, S. P. (2010). Development and initial validation of the Obsessive Belief Questionnaire-Child Version (OBQ-CV). *Depression and Anxiety*, 27(10), 982–991. <https://doi.org/10.1002/da.20702>
- Côté, J. E. (2009). Identity Formation and Self-Development in Adolescence. In Handbook of Adolescent Psychology. John Wiley & Sons, Inc. <https://doi.org/10.1002/9780470479193.adlpsy001010>
- Diehl, M., Chui, H., Hay, E. L., Lumley, M. A., Grün, D. and Labouvie-Vief, G. (2014). Change in coping and defense mechanisms across adulthood: Longitudinal findings in a European American sample. *Developmental Psychology*, 50(2), 634–648. <https://doi.org/10.1037/a0033619>
- Fen, C. M., Isa, I., Chu, C. W., Ling, C. and Ling, S. Y. (2013). Development and Validation of a Mental Wellbeing Scale in Singapore. *Psychology*, 04(07), 592–606. <https://doi.org/10.4236/psych.2013.47085>
- Fine, M., Moreland, J. and Schwebel, A. (2007). *Parent Child Relationship Survey (PCRS) 1983*. Oxford University Press, 1.
- Gardner, S. (2015). Choice theory: Gender roles and identity. *International Journal of Choice Theory and Reality Therapy*, 35(1), 31–39.
- Halvaiepour, Z. and Nosratabadi, M. (2014). Validation of the Persian Version of "Responsibility Beliefs Questionnaire" in Iranian Adolescents. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 13(5), 471–480. (In Persian)
- Hamidi, F. and Ansari, S. (2016). The relationship between parenting styles, students' psychological well-being and hardiness. *Quarterly Journal of Family and Research*, 13(3), 47–66. (In Persian)
- Heidarinasab, L. and Shaeiri, M. (2011). Factorial Structure of the Defense Style Questionnaire (DSQ-40). *Journal of Modern Psychological Researches*, 6(21), 77–97. (In Persian)
- Keraskian Mojembari, A. (2010). *Development & Standardization of Adolescents Identity Questionnaire* (Review of James Marcia's Status of Identity). Doctoral Dissertation. In Islamic Azad University (IAU), Science & Research branch, Tehran, Iran. (In Persian)
- Khanjani, M., Shahidi, S., Fathabadi, J., Mazaheri, M. A. and Shokri, O. (2014). "Factor structure and psychometric properties of the Ryff's scale of Psychological well-being, short form (18-item) among male and female students. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*, 9(32), 27–36. (In Persian)

- Kroger, J., Martinussen, M. and Marcia, J. E. (2010). Identity status change during adolescence and young adulthood: A meta-analysis. *Journal of Adolescence*, 33(5), 683–698. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2009.11.002>
- Larsen, A., Bøggild, H., Mortensen, J. T., Foldager, L., Hansen, J., Christensen, A., Arendt, M., Rosenberg, N. and Munk-Jørgensen, P. (2010). Psychopathology, defence mechanisms, and the psychosocial work environment. *International Journal of Social Psychiatry*, 56(6), 563–577. <https://doi.org/10.1177/0020764008099555>
- Laursen, B., Coy, K. C. and Collins, W. A. (2018). Reconsidering Changes in Parent-Child Conflict across Adolescence: A Meta-Analysis. In *Interpersonal Development* (pp. 171–186). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351153683-9>
- Levesque, R. J. (2011). Encyclopedia of adolescence. Springer Science & Business Media.
- Loukzadeh, Z. and Mazloom Bafrooi, N. (2013). Association of coping style and psychological well-being in hospital nurses. *Association of Coping Style and Psychological Well-Being in Hospital Nurses*, 2(4), 313–319. <https://doi.org/10.5681/jcs.2013.037>
- Marcia, J. E. (1993). The Status of the Statuses: Research Review. In *Ego Identity* (pp. 22–41). Springer New York. https://doi.org/10.1007/978-1-4613-8330-7_2
- Obsessive Compulsive Cognitions Working Group. (2001). Development and initial validation of the obsessive beliefs questionnaire and the interpretation of intrusions inventory. *Behaviour Research and Therapy*, 39(8), 987–1006.
- Parhizgar, A., Mahmoodnia, A. and Mohammadi, S. (2009). A Comprehensive Study of Relationship Between, Child-Parent's Relation and Identity Crisis and Lack of Identity Crisis in Female High School Students. *Journal of Applied Psychology*, 3(2), 82–93. (In Persian)
- Prevatt, F. F. (2003). The contribution of parenting practices in a risk and resiliency model of children's adjustment. In *British Journal of Developmental Psychology* (Vol. 21, Issue 4, pp. 469–480). <https://doi.org/10.1348/026151003322535174>
- Rinaldi, C. M. and Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27(2), 266–273. <https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2011.08.001>
- Ryff, C. D. and Keyes, C. L. M. (1995). The Structure of Psychological Well-Being Revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69(4), 719–727. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.69.4.719>
- Sanders, M. R. and McFarland, M. (2000). Treatment of depressed mothers with disruptive children: A controlled evaluation of cognitive behavioral family intervention. *Behavior Therapy*, 31(1), 89–112. [https://doi.org/10.1016/S0005-7894\(00\)80006-4](https://doi.org/10.1016/S0005-7894(00)80006-4)
- Sushma, B., Padmaja, G. and Agarwal, S. (2016). Well-Being, Psychosocial Problems and Social Interaction Anxiety in Children. *The International Journal of Indian Psychology*, 3(4), 30–43.
- Trotman, H. D., Holtzman, C. W., Ryan, A. T., Shapiro, D. I., MacDonald, A. N., Goulding, S. M., Brasfield, J. L. and Walker, E. F. (2013). The development of psychotic disorders in adolescence: A potential role for hormones. In *Hormones and Behavior* (Vol. 64, Issue 2, pp. 411–419). <https://doi.org/10.1016/j.yhbeh.2013.02.018>
- Ullah, F. I. (2017). Personality factors and perceived social support as determinants of psychological well-being among university students. *Indian Journal of Health & Wellbeing*, 8(1), 41–48.
- van Dierendonck, D. (2004). The construct validity of Ryff's Scales of Psychological Well-being and its extension with spiritual well-being. *Personality and Individual Differences*, 36(3), 629–643. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(03\)00122-3](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(03)00122-3)
- Videon, T. M. (2005). Parent-child relations and children's psychological well-being do dads matter? *Journal of Family Issues*, 26(1), 55–78. <https://doi.org/10.1177/0192513X04270262>